

مروک

ابومنصور عبدالملک بن محمد نعلبی نیشابوری متوفی بسال ۴۲۹ در تیمه الدهر آورده است (۱) :

« ابوالمظفر البلیخی - من شعره قوله : (۲) »

وله .

قال الحکیم الفارسی بس - زرجمهر ثم مروک
لا ترضین من الصدیق بکیف انت و مر حبابک
حتی تجرب مالدیسه لاجابة اما بدتک
فاذا وجدت فم - اله کماله فیه تمسک . (۳)

از قوافی این قطعه پیداست که باید « مروک » فتح سوم خوانده شود و نیز چون او را در ردیف بزجمهر یاد کرده معلوم است که گوینده وی را در زمرة حکمای باستانی میشناخته . و نیز عصر او را پس از بزجمهر مشهور دانسته است (۴) و بنابراین در عصر ابوالمظفر بلخی (۵) فیلسوفی از عهد ساسانیان بنام « مروک » شناخته بود و پندهائی از او نقل میشد

اما عصر زندگانی « مروک » بتحقیق معلوم نیست حمزه در کتاب سنی ملوک الارض والانبیاء آورده (۶) :

« فقی ایامهم (۷) وضعت اللب التی هی فی ایدی الناس مثل کتاب « مروک » و کتاب

(۱) چاپ مطبعة العریة دمشق . جلد چهارم . باب السابع صفحہ ۲۴۵ (۲) در اینجا این قطعه از ابوالمظفر نقل شده

بلونک یا دنیا مرارا کیره	علم تر عیسی فی هواک فریره
فان کنت فی عین اللئیم خطیره	فانک فی عین الکریم حقیره
وان تصرفی عنی اذاک فخیره	وان تصرفی نحوی اذاک فحیره

(۳) این قطعه در امثال وحکم تصنیف علامه آفای دهخدا جلد سوم صفحہ ۱۷۰۱ نیز نقل شده .
(۴) برای اطلاع از احوال و شخصیت بزجمهر رجوع بر سالة (بزجمهر حکیم) تالیف کریستنسن ترجمه آفای میکده شود . (۵) نگارنده ترجمه حال او را بدست نیاورد ولی پیداست که پیش از زمان تالیف تیمه میریسته است . (۶) چاپ برلن صفحہ ۳۰ (۷) یعنی در ایام اشکانیان

سندباد و کتاب برسناس و کتاب شیماس و ماالشبهها من الکتب التي يبلغ عددها قریباً من سبعین کتاباً^۱ و نظیر این عبارت در کتاب مجمل التواریخ و القصص آمده (۱): «وار آن کتابها که در روزگار اشکانیان ساختند: هفتاد کتاب بود از جمله: «کتاب مروك» کتاب سندباد، کتاب بوسیفاس، کتاب سیماس».

آقای بهار در حاشیه مجمل التواریخ دلیل مروك نوشته اند: «مردك هم خوانده میشود» ابن الندیم در فهرست خود در ترجمه ابان بن عبد الحمید بن لاحق بن عفیر شاعر عهد عباسی و مداح آل برمك آرد (۲):

«وقد نقل من كتب الفرس وغيرها ما انا ذا كره: كتاب كايلا و دمنة، كتاب الزهر و برداسف (باوهر و بوداسف) (۳). كتاب السندي باد، كتاب مردك، كتاب الصيام و الاعتكاف» اما دلیل آنکه کلمه مزبور را باید «مروك» خواند نه مردك و مزرك:

۱- اطلاق مردك «با كلف تصغیر» نشانه تحقیر و توهین است و دیده نشده است که برای رجال علم شده باشد.

۲- مردك مشهور (در صورتیکه مراد پیشوای مزدکیان باشد) در عهد قباد ساسانی (۴۹۰-۵۳۱ م) ظهور کرد نه عهد اشکانی و حمزه در کتاب خود (۴) و مؤلف مجمل التواریخ نیز (۵) ظهور او را در عهد قباد یاد کنند.

۳- الفهرست ابن الندیم چاپ اروپا و چاپ مصر هر دو از اغلاط فراوان مشحونست و بدیهی است که شاعری مسلمان مانند ابان بن عبد الحمید در عصر خلفای عباسی کتاب مردك را بهر سببی نمیتوانست ترجمه کند (۶) مگر آنکه بگوئیم مراد مردك دیگر است، و نام مردك دیگر که در عصر اشکانی یا ساسانی شهرتی یافته باشد در ماخذ موجود دیده نشده.

۴- کلمه «مروك» مصغر «مرو» است و «مرو گیاهی» باشد خوشبوی که آنرا مرو خوش گویند و عربان آنرا ریحان الشیوخ و حبق الشیوخ خوانند و سنگ آتش

(۱) چاپ تهران صفحه ۹۳-۹۴ (۲) چاپ مصر صفحه ۲۳۲ (۳) مجله کاوه سال ۵ شماره

۵ شاهنامه (۴) صفحه ۳۹ (۵) صفحه ۹۵ (۶) ظاهر همین کتاب بوده (در ماخذ بنام کتاب مردك) که ابن المفتح آنرا بتازی ترجمه کرده است و افشین (خیزر بن کاوس) بهنگام محاکمه خود (سال ۲۵۵) محمد بن عبد الملك الزباب را متهم کرد که آن کتاب و کتاب کلیله و دمنه را در سرای خویش دارد.

زنه را نیز گفته اند. (۱)

این گیاه را بِالْعَمَانِي Katzenkraut (۲) گویند (۳) و نام مرزبور در اعلام سابقه دارد چنانکه جد محمد بن احمد از ادبا و دانشمندان اسلام بهمین اسم نامیده میشد (۴) اکنون باید دانست که « مروك » در عصر اشکانی میزیسته است یا در عصر ساسانی (پس از بزرجمهر)؟

چون حمزة اصفهانی و هاب مجمل التواریخ کتاب « مروك » را در ردیف کتب: کلیله و دمنه (۵) و بوداسف و بلوهر (۶) و سند باد (۷) یاد کرده اند و کتب مرزبور نیز مسلماً در عصر ساسانی ترجمه و تدوین شده، (۸) احتمال قوی میرود که کتاب مروك نیز متعلق به عهد ساسانی باشد.

نگارنده با محققان ایرانی و حاورشمانان اروپائی درین باب مذاکره کرد و بیش از این اطلاعی بدست نیامد اگر خوانندگان فاضل مجله یغما اطلاعات دیگر از احوال مروك یا کتاب مروك بدست آورند و بمجله ارسال فرمایند موجب امتنان نگارنده و اغتنام همگان خواهد بود.

(۱) برهان قاطع (۲) لفه بمعنی کر به گیاه Susti, Iranisches Namenluch (۳)
 (۴) یاقوت جلد سوم، صفحه ۱۰۲۷۷ (ب نقل یوسی). (۵) رجوع شود بکلیله و دمنه ابن مقفع باب برزویه و مقدمه شیخ بزرگ کلیله و مقدمه آقای قریب بر ترجمه کلیله نصرالله بن عبدالحمید و
 A. Christensen, I. Iran sous les Sassanides,

Copenhagen 1944, p. 58 423 et 429.

(۶) هزاره فردوسی، شاهنامه و فردوسی بقلم آقای تقی زاده ص ۲۳ ج ۹ (۷) هزاره فردوسی ص ۲۳ ج ۲ (۸) حمزه و مؤلف مجمل التواریخ اشتباها کتابهای مرزبور را به عهد اشکانیان منتسب داشته اند.

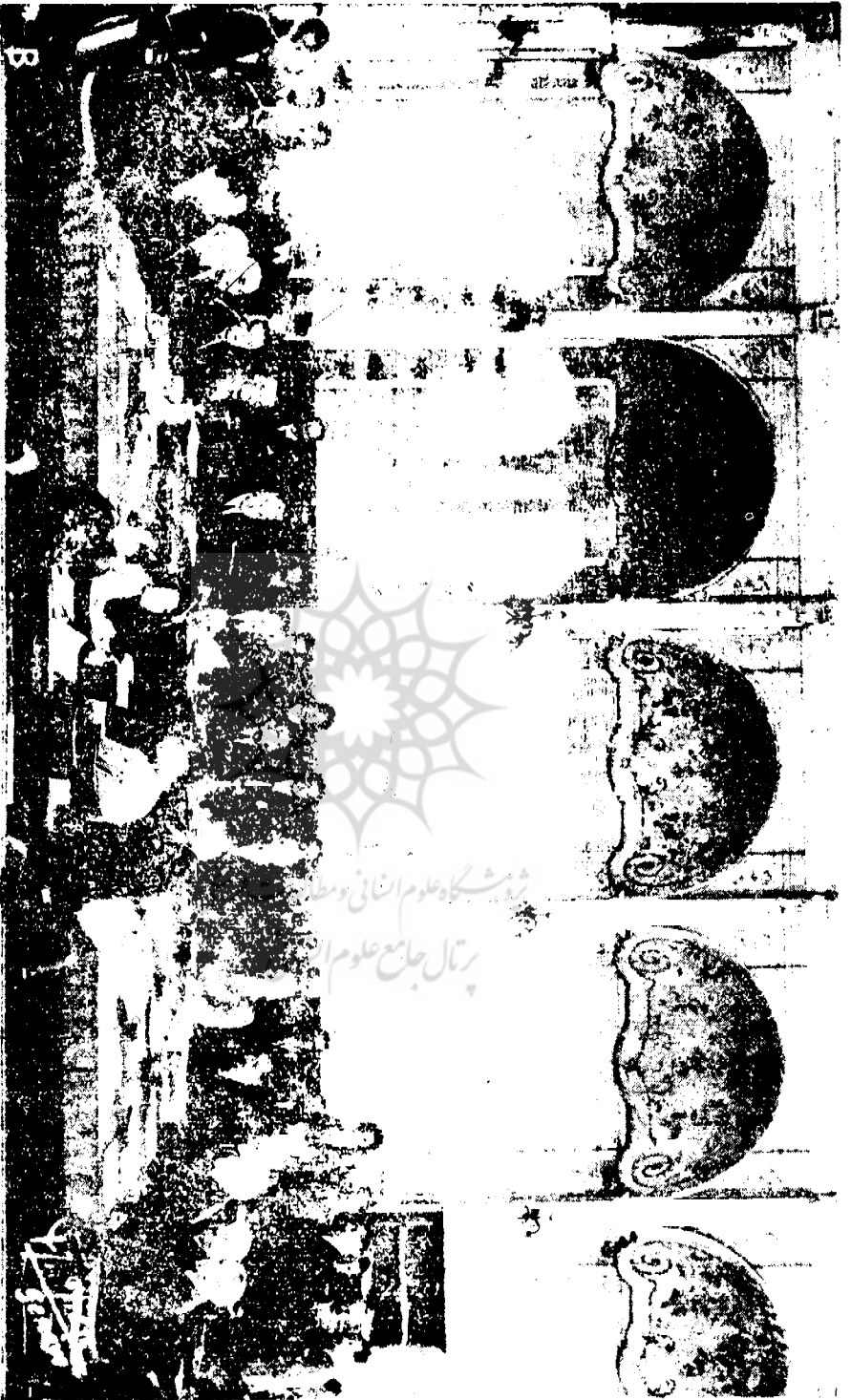
دیروز چنان وصل جان افروزی

و امروز چنین فراق عالم سوزی

افسوس که در دفتر عمرم ایام

این را روزی نویسد آن را روزی

سلطان طغرل سلجوقی



موسسه تحقیقات و نشر
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
سازمان جغرافیایی و علوم

مجموعه آثار خانان ملل ژنو - سال ۱۹۱۹ میلادی

براست حضرت محمد علی مروی، سفیر دولت شاهنشاهی ایران

موسسه
پژوهشگاه
سازمان